



ویژه نامه نشریه سیاسی اقتصادی تلم،

شهرهای دانشجوی سال ۱۳۳۲



بکشید ما را....

دانشجو،

مطالبه‌گری،

استکبارستیزی

ترور ناجوانمردانه دانشمندان هسته‌ای



حذف کمربندی جنوبی مشهد از طرح تفصیلی

حاشیه‌های یک مجسمه ۳۸ متری در دانشگاه
فردوسی: طرح غیرعلمی با پیگیری دانشجویان و
کارشناسان دانشگاه از دستورکار خارج شد!

ستاد مبارزه با کرونا دانشگاه‌های مشهد:
جشن تزریق ۶۰۰ هزار دز واکسن کرونا در مراکز
توسط دانشجویان

ملت ما بیدارتر می‌شود....

روز دانشجو

گرامی باد.



شهرهای دانشجویان محافل امیت ۱۴۰۱



استبکار، داخلی و خارجی ندارد

فَكَلَّمَا جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّمَّا لَا تَهْوَى
أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ
وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ

آیا هر پیغمبری که از جانب خدا اوامری بر خلاف هوای نفس شما آرد گردن‌فرازی و سرپیچی نموده و (از راه حسد) گروهی را تکذیب و جمعی را به قتل می‌رسانید؟ احتمالاً زمان قرعه‌کشی و گروه‌بندی جام جهانی کمتر کسی فکر می‌کرد که ایران بتواند به انگلیس دو گل بزند و از طرفی شش گل بخورد؛ یا اینکه دو گل به ولز با گرت بیلش بزنیم و نهایتاً در اوج حساسیت از آمریکایی که قوی‌ترین دوران تاریخ فوتبالش را به سر می‌برد یک گل بخوریم. اما آنچه قطعی به نظر می‌رسید، این بود که این گروه شاید سیاسی‌ترین گروه، حداقل در این دوره جام جهانی است. شوخی‌های زیادی شد، با این مضمون که جبهه مقاومت به نمایندگی ایران در مقابل جبهه استبکار بازی می‌کند.

به نظر قطعی می‌رسید که اگر آمریکا از ایران ببرد، یک ملت آه می‌کشد و بازیکنان تیم ملی آمریکا به ما می‌خندند یا اگر ما برنده میدان شویم، یک ملت تا مدت‌ها شاد است و سینه‌اش سپر می‌شود و بردمان در بازی با ولز مهر تاییدی شد بر این نظر.

اما بازی با آمریکا از پدیده‌ی جدیدی رونمایی کرد؛ استبکار داخلی. استبکار از ریشه «کبر» و به معنای برتری‌خواهی، امتناع از پذیرش حق از روی عناد و تکبر و خود بزرگ‌بینی دروغین است.

استبکار داخلی آن چیزی است که عَلم دموکراسی بر می‌دارد ولی برای شادی کردن، برای کاسبی کردن، برای استوری گذاشتن و پست منتشر کردن و حتی برای

نحوه پوشش دیگران خود را صاحب عقیده دانسته و اگر کسی برخلاف آن عمل کند بی‌شرف خوانده می‌شود.

عجیب بود همان‌ها که با آروغ انسان‌دوستی، شادی ملت ایران را برای بهترین بازی تاریخش در جام جهانی محکوم می‌کردند و می‌گفتند نباید شاد باشید چون ما عزا داریم، بعد از باخت تیم ملی‌شان جشن گرفتند!

در بازی با آمریکا، بازیکنان آمریکایی به یوزهای ایرانی دل‌داری می‌دادند و یک عده وطن‌فروش در داخل فریاد میکشیدند علیه تیم‌شان که این تیم ملت ما نیست. هرچند حقیر بودند و قلیل، اما دل آدم به حالشان می‌سوخت.

استبکار جهانی به کجا رسید که شما مستکبرین داخلی برسید؟

امیر بیان، لبّ سخن

را گفته است:

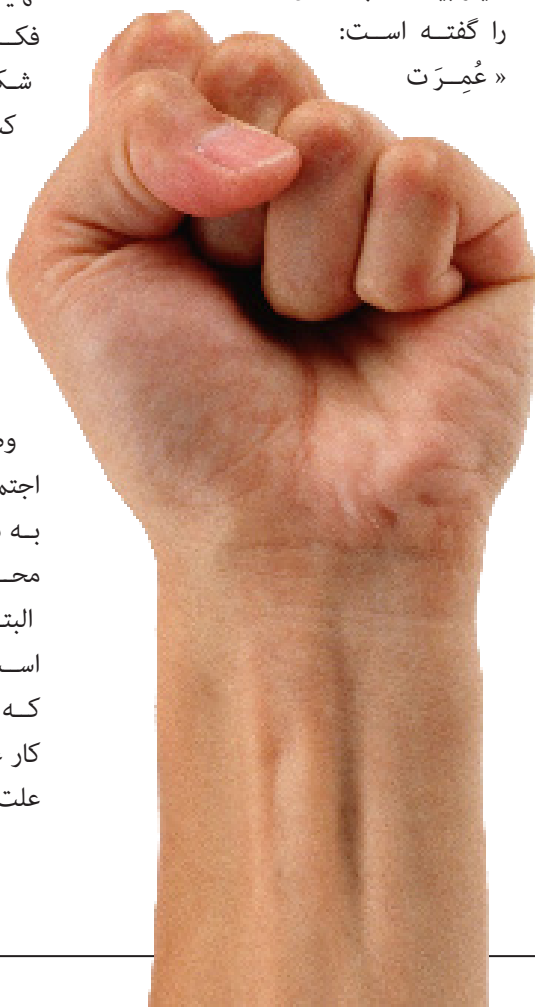
«عُمَرَت

البلدان بحب الاوطان». آبادانی کشورها در گروی حب وطن است.

ملتی که وطن‌پرست نیستند، نمی‌توانند خواهان توسعه و پیشرفت باشند. آنکه حب وطن ندارد مستکبر داخلی است و تفاوتش با مستکبر خارجی و جهانی در این است که کوبیدنش همچون چوبی دو سر طلاست. اگر حرفی بزنی، صورت خود را کبود کرده‌ای و اگر سخن نگوئی، او کوتاه نمی‌آید. وطنت را ثمن‌بخس می‌فروشد و در انتها به این می‌بالد که در راه آزادی قدم برداشته! اگر استبکار جهانی به بهانه استعمار، آزادی، استقلال و حق تعیین سرنوشت را از یک ملت می‌گرفت، استبکار داخلی اتفاقاً با بهانه آزادی، «آزادی» را سلب می‌کند. به بهانه توسعه، راه پیشرفت را می‌بندد. به بهانه نوع‌دوستی، سر می‌برد. نهایتاً تابلو نازی‌های تعارضات و تناقضات فکری را با خوش‌رنگ و لعاب‌ترین‌ها شکل می‌دهد، برای آن‌ها که تنها مجرای کسب دانایی‌شان، اینستاگرام و تلگرام است منتشر کرده و قلب و ذهنشان را تسخیر می‌کند.

حتی اگر شیپور بزنگاه‌های حساس هم بخورد این افراد، مخفی‌ترین لانه‌ها را می‌سازند، چرا که ارزش‌هایی به نام غیرت ملی و دینی، وطن‌دوستی، تمامیت سرزمینی و انسجام اجتماعی در قاموس آن‌ها نیست؛ نانشان به نرخ روز بوده و همه اعمال‌شان حول محور منافع شخصی.

البته، به انسانی هم که در اوج خشم است نمی‌شود خرده چندان‌ی گرفت که چرا ناسزاهای ناشایست دادی و این کار غلط است ولی نباید فراموش کرد علت‌العلل، محرک است.





پرواز با شکوه

انگشتر شکسته

انگشتر شکسته و خونی برای من
 خندیدن و شعار زندگی برای تو
 داعش، طالبان، دفاع برای من
 آتش بازی و کشتن من، برای تو
 سیل و زلزله و خرابی از آن من
 سلفی با فلان سلبریتی برای تو
 گریه برای مردهای میدان از آن من
 اخبار کذب و دروغ رسانه برای تو
 طعنه برای نبود آزادی برای من
 (مریم)، (پریسا)، (ترانه) برای تو
 زیستن زیر نگاه سنگینت برای من
 تحصیل و رفتن خارج برای تو
 جنگیدن مرزی و گفتارها برای من
 ایران استوار و افتخارش برای تو
 فهمیدن آنچه میگذر برای من
 رقص میان بازی دشمن برای تو
 باشد قبول کنسرت برای تو
 اما اگر دلت گرفت، حسین(ع) هم برای تو
 هرگز نگذارم که ویران شوی رفیق
 هرچند فحشم بدهی، جانم فدای تو

پ.ن: مریم میرزاخانی (نخبه ایرانی)
 پریسا تبریز (شاهزاده امنیت)
 گوگل که ایرانی است
 ترانه رضوی (پزشک ایرانی، مسئول سلامت)
 تمام کارکنان گوگل

گر می‌روی بی‌حاصلی
 گر می‌برندت اصلی
 رفتن کجا، بردن کجا؟
 تو که خود نرفتی!
 وقتی میان جمعیتی که یا از ترس زبان به
 کام گرفتند یا از تعجب انگشت به دهان، تو
 چه دیدی؟ چه شنیدی؟
 که زود اجابت کردی درخواست کمک رفیق
 را.
 رفیقی که با هم بزرگ شدید و با هم به
 بزرگی رسیدید.
 فرشتگان که لبیک گفتند شهادتت را، پروانه
 شدی از پيله دنیا.
 تو پرواز کردی به سوی معشوق و ما در
 حسرت شکوه رفتنت ماندیم.
 تو سعادت‌مند شدی و ما همچنان در آرزوی
 عاقبت به خیری ماندیم.
 دل به درد آمد از نحوه شهادتتان همان
 شهادتی که رنگ و بوی حسین را می‌داد.
 گلوی بریده و نفس‌های آخر، سرخی خون
 و گریه‌های مادر، قاتل فراری و اشک و گریه
 هزاران نفر! —————
 نبودی تا ببینی که روزهای نبودنت را چگونه
 به عزا نشستیم!
 نماندی تا بدانی که غم رفتنت را چگونه
 تاب آوردیم!
 تا از جانب معشوق نباشد کشتی
 کوشش عاشق بیچاره به جایی نرسد
 تلاشت ستودنی، هدف‌خواستی و نگاهت
 خدایی بود.
 کوشیدی تا به خود خدا برسی و چه خوش
 عاقبتی یافتی.

ماهنامه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی قلم

ویژه نامه

مدیر مسئول و صاحب امتیاز: بهاره حسینی‌محراب



اخبار و اعلان های خانه نشریات

آرشیو کامل نشریات دانشجوویس



نحوه دریافت حمایت مالی



نحوه درخواست مجوز نشریه



نحوه شرکت در جشنواره نشریات



نحوه ثبت آرشیو نشریه



استاندارد و آئین نامه ها • دستورالعمل نشریات دانشگاهی



اطلاعات کامل در خصوص کمیته ناظر بر نشریات



لیست نشریات فعال



در سایت سند • sanad.um.ac.ir

